



تلاش برای هدایت جامعه و حمایت از مردم از پیام های نهضت عاشورا است

آیت الله جوادی آملی می نویسد: از بارزترین پیام های عاشورا، ایثار و نثار نفس و نفیس برای هدایت و حمایت مردم است؛ یعنی سالار شهیدان آنچه در اختیار داشت ...

آیت الله جوادی آملی می نویسد: از بارزترین پیام های عاشورا، ایثار و نثار نفس و نفیس برای هدایت و حمایت مردم است؛ یعنی سالار شهیدان آنچه در اختیار داشت ایثار و نثار کرد تا جامعه بشری موحد گردد و الهی بیندیشد. ایشان همچنین هدایت و حمایت مردم، درس قیام آفرینی و احیای امر به معروف و نهی از منکر را از دیگر پیام های نهضت عاشورا بر شمردند. به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله جوادی آملی در کتاب شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، به پیام های نهضت عاشورا اشاره کردند که متن آن در پی می آید.

ایشان در این کتاب مرقوم داشته اند:

یکی از پیام های نهضت عاشورا « شناسایی حیات و مرگ واقعی » است .

از بارزترین پیام های نهضت عاشورا، تشخیص حق و باطل، صدق و کذب، حسن و قبح، ذلت و عزت، کوری و بینایی، کوری و ناشنوایی، سفاهت و خردورزی و سرانجام، مرگ و زندگی است.

همه انسان ها با این معانی و مفاهیم در ارتباطند و اگر آن ها را از هم تشخیص دهند، به دنبال مصداق صحیح آن حرکت می کنند؛ وگرنه گرفتار مغالطه در عمل خواهند شد.

ریشه همه این امور، مرگ و زندگی است و همه می خواهند بدانند که حیات و مرگ چیست؟ به ظاهر، این گونه از الفاظ، مفاهیم روشنی دارند و هر انسانی خیال می کند که تشخیص معانی آن ها آسان است. از این رو، می پندارد که نیازی به راهنما ندارد و خود را در تشخیص مصادیق آن موفق می بیند. چنین پنداری در بسیاری از افراد وجود دارد؛ هم آن ها که سلطه گرد و هم کسانی که سلطه پذیرند. بنابراین، تشخیص این امور برای بسیاری از افراد آسان نیست و باید در این کار از منبع اصلی شناخت، یعنی قرآن و خاندان اهل بیت (ع) بهره گرفت.

خداوند در قرآن فرموده است: شما عده ای را ظاهراً خردمند، بصیر و شنوا می پندارید، اما آن ها سفیه، کور و کزنده و گروهی را راستگو می دانید، اما آن ها دروغگویند و برخی را محق می دانید، ولی آن ها باطل گرایند و سرانجام می فرماید: و گروهی را زنده می دانید، حال آن که آن ها مرده اند.

سالار شهیدان (ع) مانند آباء گرامی و خاندان کریمش تا می توانستند از راه تعلیم و تزکیه و پند و اندرز، این گونه از معانی را برای عموم مردم تشریح می کردند. در آن عصر و زمان، داعیه داران فراوان بودند، به گونه ای که سردمداران حکومت اموی از یک سو سخن می گفتند و خاندان اهل بیت (ع) از سوی دیگر.

وقتی حسین بن علی (ع) در چنین فضایی سخنرانی و موعظه را بی اثر یافتند و یقین کردند که تنها خون می تواند جامعه را روشن کند، دست به نهضت عاشورا زدند و در جریان عاشورا آن مطلب کلیدی را به مردم فهماندند. وقتی کلید فرهنگ دین به دست مردم داده شد، مردم با آن در مکتب فرهنگ دین را باز می کنند و گنجینه ها را در این مکتب می بینند؛ آنگاه مصادیق عزت و ذلت، لثامت و کرامت، استقلال و وابستگی و امنیت و ناامنی و سرانجام، حق و باطل را می شناسند. بنابراین، تشخیص مرگ و حیات واقعی، قهرآ تمییز صدق و کذب، حق و باطل، عزت و ذلت، لثامت و کرامت و ... را در پی دارد.

آیت الله العظمی جوادی آملی دومین پیام نهضت عاشورا را «هدایت و حمایت مردم» دانستند و بیان داشتند:

از بارزترین پیام های عاشورا، ایثار و نثار نفس و نفیس برای هدایت و حمایت مردم است؛ یعنی سالار شهیدان آنچه در اختیار داشت ایثار و نثار کرد تا جامعه ی بشری موحد گردد و الهی بیندیشد.

اصل این مطلب را خداوند در قرآن در قالب سیره پیامبران تبیین کرد. انبیا این ادراک و این پیام را دریافت و عمل کردند و وارث انبیا هم این پیام را دریافت و عمل کرد. حسین بن علی (ع) وارث همه انبیاست و در زیارت آن حضرت (ع)، او را میراث بر انبیا معرفی می کنیم؛ زیرا او مصائب تلخ انبیای گذشته را چشید و مبارزات انبیای پیشین را ادامه داد و کامیابی و موفقیت رهبر آسمانی را در جانش چشید؛ یعنی ایشان میراث بر تلخی و شیرینی انبیای سلف بودند.

پس مهم ترین پیام نهضت سالار شهیدان این است که در دو عنصر فرهنگی و اجتماعی هدایت و حمایت مردم غفلت نکنیم و این کار، مخصوص حسین بن علی (ع) نبود. آن حضرت (ع) با همین دو عنصر محوری، مردها و زن ها اعم از سالمندان و نوسالان را به کربلا آوردند تا ثابت کنند آن جا که جای ادراک است، مسؤولیت حمایت و هدایت هست، هر کس می فهمد، خواه نوسال و سالمند و خواه زن و مرد، باید از یک سو برای هدایت جامعه و از سوی دیگر برای حمایت آن گام بردارد.

سالار شهیدان، قسمت مهم سخنانی های خود را در این دو عنصر محوری [هدایت و حمایت] خلاصه کردند. چه آن روز که معاویه بر سر کار بود، و چه آن روز که یزید روی کار آمده بود.

حتی در راه مدینه به مکه، گاهی آن حضرت (ع) سخنرانی و گاهی پیک اعزام می کردند و نامه می نوشتند و در همه این اضلاع، هدایت مردم و حمایت از آن ها مطرح بود. نیز در مکه در روز هشتم ذی حجه که همگان به سرزمین عرفات می رفتند،

آن حضرت به سوی عراق عازم شدند و وقتی فاصله سیصد فرسنگی مکه و کربلا را طی می کردند، پیام هایی می دادند و سخنرانی هایی می کردند که موضوع آن هدایت و حمایت مردم بود. این نشان می دهد که پیام عاشورا، یک پیام زنده و به روز و جهانی است که همگان می توانند آن را بفهمند و طبق رهنمود آن حضرت (ع) حسینی ببینند.

ایشان «درس قیام آفرینی» را از دیگر پیام های نهضت عاشورا برشمردند و مرقوم داشتند:

رهبران الهی تلاش می کنند که جامعه انسانی را وارث حسین بن علی (ع) کنند. اگر جامعه ای وارث حسین بن علی (ع) بود، میراث همه انبیا را به سهم خود خواهد برد؛ چون یکی از شعارهای رسمی در هنگام عرض ادب و برخورد با یک دیگر در مراسم سوگ سالار شهیدان این است: «عظم الله» یا «أعظم الله أجورنا و أجوركم بمصابنا بالحسين (ع) و جعلنا و إياكم من الطالبين بناره» [1].

بخش نخست عبارت یاد شده، آن است که ما در سانحه سنگین کربلا اندوهنگین هستیم و مصیبت زده ایم؛ خداوند اجر همه را افزون کند. بخش دوم شعار مزبور این است که خداوند ما را جزو کسانی قرار دهد که برای خونخواهی سالار شهیدان و گرفتن خونبهای حسینی موفق به قیام هستند!

ما وقتی می توانیم خونبهای حسین بن علی (ع) را بگیریم که وارث او باشیم؛ چون اگر وارث او نباشیم، خونبها خواهی به ما ارتباطی ندارد. اگر کسی نسبت به مقتولی یا شهیدی بیگانه باشد، حق ندارد برای خونخواهی او انتقام بگیرد. پس، طبق این شعار و دعا ما جزو وارثان حسین بن علی (ع) هستیم. از این رو، از خدا توفیق طلب خونبهای حسین بن علی (ع) را داریم.

تبیین مطلب به این است که حسین بن علی (ع) یک شخصیت حقوقی دارد و یک شخصیت حقیقی و نیز کسانی که شخصیت حقوقی و حقیقی او را شهید کردند، به وسیله مختار به هلاکت رسیدند؛ اما شهیدکنندگان شخصیت حقوقی (امامت و خلافت و رهبری و ولایت او) حسین بن علی (ع) همواره هستند. بنابراین، راهیان طریق حسین بن علی (ع) که جزو وارثان او هستند، می توانند به خونخواهی شخصیت حقوقی سالار شهیدان قیام کنند و مانند حسین بن علی (ع) رهبری نهضت را به عهده بگیرند؛ نه این که فقط مصرف کننده نهضت حسینی باشند.

بسیاری از افراد بر این باورند که فقط مصرف کننده نهضت کربلاییم و باید ببینیم آن حضرت (ع) درباره عزاداری به ما چه گفته، آن را عمل کنیم؛ اما برخی خواص پیام نهضت عاشورا را از سنخ و سبک خاص دریافت می کنند و معتقدند که کربلا برای ما دو پیام دارد: 1. مصرف کردن 2. تولید؛ یعنی اگر بیمار هستی، مصرف کننده دارو باش و چنانچه سالم شده ای، تولید کننده آن باش.

نهضت حسینی به نسل آگاه درس می دهد که اگر مشکل دینی داری، خود را اصلاح کن و اگر صالح هستی، برخیز و مصلح جوامع بشری باش. اگر مشکل اخلاقی داری، پیرو رهبران الهی باش و اگر مشکل اندیشه و فکری نداری، برخیز و امام دیگران باش. از دستورهای حسین بن علی (ع) و رهبری های آن حضرت و سایر ائمه (ع) این است که ما برای اصلاح جامعه اسلامی قیام کرده ایم.

این که گفته اند: «کلّ يوم عاشورا و کلّ أرض كربلا»؛ یعنی در همه مکان ها می توان تولید نهضت کرد. نباید فقط مصرف نهضت شد، بلکه بایستی اقدام به تولید نهضت کرد و نشانه این پیام، فریضه امر به معروف و نهی از منکر است که مؤید دستور تولید نهضت است و آن با عزم ملی و همگانی احیا می شود؛ یعنی از عزم الامور است، به طوری که نیازمند عزم مردمی بعد از تأمل در گذشته و تدبّر در آینده و جمع بندی بین پیامدهای تلخ و شیرین آن است.

آیت الله العظمی جواد آملی «احیای امر به معروف و نهی از منکر» را نیز از دیگر پیام های نهضت حسینی بیان داشتند و اظهار داشتند:

از پیام های سالار شهیدان در نهضت عاشورا نشر امر به معروف و نهی از منکر و احیای این عزم ملی بود. معروف یعنی چیزی که عقل و نقل (قرآن و روایات) او را به رسمیت می شناسند؛ خلاف منکر که پیش عقل و نقل، نکره و ناشناس است و او را به رسمیت نمی شناسند.

امر به معروف و نهی از منکر از وظایف اختصاصی حوزه های علمیه نیست؛ چون کار اختصاصی آن ها تعلیم و تزکیه است. همچنین از اختیارات دانشگاه ها نیست؛ زیرا کار ویژه آن ها دانشوری و نشر اندیشه و دانش است. نیز در قلمرو آموزش و پرورش نیست؛ چون کار مخصوص آن ها پرورش و تربیت نوسالان و جوانان است. امر به معروف و نهی از منکر، امری ملی، مصمّم و جزمی است که با عزم همه مردم همراه است.

امر به معروف، از جایگاه قدرت سخن گفتن است، نه سخنرانی و موعظه و اندرز یا مخالفت نوشتن که این امور آسان و فراوان است. امر به معروف، صدور و دستور و جلوگیری عملی از ناروایی ها و زشتی هاست.

همه مردم، اعم از حوزویان و دانشگاهیان، مسؤولان آموزش و پرورش، وزارت ارشاد و آحاد مردم موظفند که از جایگاه قدرت جلوی زشتی ها را بگیرند؛ لیکن آن بخش های حسّاس اجرای این فرمان الهی مانند ضرب و جرح، به دست هیأت حاکمه است و بخش های اعتراض آمیز آمرانه آن به عهده عزم ملی است.

حضرت رسول اکرم (ص) فرمودند: هیچ کس نباید در جامعه اسلامی از خود سلب مسؤولیت کند و بگوید: به من چه! یا دیگری را مسؤول نداند و به او گوید: به تو ربطی ندارد و با مال خودم گناه می کنم و بزه و تباهی مربوط به خودم است. آن حضرت (ص) فرمودند: مسؤولیت عمومی برای آن است که انسان دارای حیثیت جمعی است. اثبات وجود برای جامعه کار آسانی نیست؛ اما حیثیت جمعی را برای هر فرد می توان تثبیت کرد. انسان، هم حیثیت فردی و هم حیثیت اجتماعی دارد و چون

حیثیت جمعی دارد، به دیگران وابسته است.

آنگاه رسول اکرم (ص) از باب تشبیه معقول به محسوس، جریان فرمان دهی امر به معروف و نهی از منکر را چنین تبیین کردند: افراد جامعه مانند سرنشینان یک کشتی اند که با آب و خطر مرگ و غرق شدن روبه روست. اگر یکی از مسافران این کشتی به همراه خود تیشه یا ارّه ای ببرد و بر اثر غفلت با آن تیشه زیر صندلی خود را سوراخ کند و در برابر اعتراض دیگران به وی که چه می کنی، بگوید: زیر صندلی خود را سوراخ می کنم و به شما ارتباطی ندارد و افراد ساده لوح هم کاری به او نداشته، بگویند: زیر صندلی خود را با تیشه خود سوراخ می کنی و کاری با ما ندارد و او را رها کردند، زیر صندلی او شکاف برمی دارد و از شکاف آن، آب دریا وارد کشتی می شود و تعادل آن را به هم می زند؛ آنگاه کشتی به همراه همه مسافران خود به کام دریا فرو خواهد رفت و همگان می میرند.

اما اگر به او بگویند: اگر می خواهی زیر صندلی خود را سوراخ کنی، برو در جایی زندگی کن که در آن جا تنها باشی و تنها زندگی کنی. کره زمین زندگی اش جمعی است؛ چون اگر چنین کاری کردی آب دریا به درون کشتی می آید و همه را به کام مرگ فرو می برد. بنابراین، اگر تیشه را از دست او گرفتند، همگان نجات می یابند؛ وگرنه همه می میرند. اگر مردم بگویند: به ما ربطی ندارد، همه هلاک می شوند؛ اما اگر بگویند: ما مسؤولیم و این عزم ملی است و تیشه را از خراب کار بگیرند، در این صورت همگان به ساحل مقصد و مقصود می رسند.

از این جا معلوم می شود که امر به معروف و نهی از منکر، جنبه ای دارد که نمی گذارد سیاست بازان وارد صحنه شوند. اگر امر به معروف و نهی از منکر ترک شود، افراد شرور والی مردم می گردند؛ آنگاه ولایت فقیه عادل مطرح نخواهد بود، بلکه سرپرستی سفیه و فاسق پذیرفته می شود. در این حال، مردان برجسته دعا می کنند و مستجاب نمی شود.

منبع: کتاب شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی

1 کامل الزیارات، ص 174، وسائل الشیعه ج 14، ص 509.